

## تحلیل اثرات متقابل حکمرانی و توسعه در کشورهای صادرکننده نفت<sup>۱</sup>

محمد حسین فاتحی دابانلو<sup>۲</sup>

کامبیز هژبرکیانی<sup>۳</sup>

عباس معمارنژاد<sup>۴</sup>

محسن مهرآرا<sup>۵</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۳۱

### چکیده

هدف اصلی این مقاله، تحلیل اثرات متقابل حکمرانی و توسعه در کشورهای صادرکننده نفت است. در این راستا، اثرات متقابل در دو گروه کشورهای خاورمیانه و غیرخاورمیانه صادرکننده نفت مورد مقایسه قرار می‌گیرد. از مدل حداقل مربعات سه مرحله‌ای برای برآورد مدل بر اساس داده‌های بانک جهانی برای دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۴ و از آزمون‌های والد<sup>۶</sup>، کروسکال والیس<sup>۷</sup> و حداقل اختلاف معنادار<sup>۸</sup> استفاده شده است. کارکرد حکمرانی به یک موضوع اساسی تبدیل شده و کشورهای خاورمیانه به دلیل موقعیت استراتژیک جغرافیایی و برخورداری برخی از آنها از درآمدهای صادرات و فروش نفت، اهمیت ویژه‌ای برای تحقیق برخوردار شده است.

نتایج، بیانگر این است که تفاوت معناداری بین تأثیر متقابل حکمرانی و توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت وجود دارد. در هر دو گروه از کشورها، تأثیر توسعه بر حکمرانی به مراتب بیش از تأثیر حکمرانی بر توسعه می‌باشد. به رغم تشابه در عامل صادرات نفت، عامل محیط جغرافیایی در بردارنده تشابهات فرهنگی و دین و برخی از آداب و رسوم، بر تأثیر متقابل حکمرانی و توسعه مؤثر، و ضریب برآوردی تأثیر توسعه بر حکمرانی در هر دو گروه، بیش از ضریب برآوردی تأثیر حکمرانی بر توسعه است. لذا توجه به توسعه، علاوه بر بهبود شاخص‌های آن، شرایط حکمرانی را ارتقا داده و باعث بهبود عملکرد می‌شود. این تأثیر از طریق حکمرانی نیز وجود دارد؛ ولی سرعت تغییر از طرف توسعه، بیشتر است.

**واژگان کلیدی:** حکمرانی، توسعه، کشورهای صادرکننده نفت، خاورمیانه

**طبقه بندی JEL:** O57, O13, O15, O43

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری محمد حسین فاتحی دابانلو به راهنمایی دکتر کامبیز هژبرکیانی، رشته اقتصاد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران است.

۲. دانشجوی دوره دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. fatehi@iaufb.ac.ir

۳. استاد اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول) kianikh@yahoo.com

۴. استادیار اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران ab\_memar@yahoo.com

۵. استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران mmehrara@ut.ac.ir

6. Wald

7. Kruskal\_Wallis

8. LSD (Least Significant Difference)

## ۱. مقدمه

امروزه داشتن سطح مناسبی از توسعه، هدف بیشتر برنامه های اقتصادی و اجتماعی در جوامع مختلف است؛ زیرا هنگامی که جامعه ای توسعه یافته می شود، از مزایای آن یعنی درآمد بیشتر، فقر و نابرابری کمتر و رفاه بیشتر برخوردار می شود. این درحالی است که آمارها نشان می دهد بیشتر از نصف جمعیت جهان از مشکلاتی از جمله بیکاری، فقر و نابرابری شدید درآمدی رنج می برند (Goult, 1971). سوئجاتموکو (Soedjatmoko, 1985) بیان می کند نظریه پردازان توسعه به مشکلات نهادی و ساختاری و به اهمیت عوامل تاریخی، فرهنگی و مذهبی در فرآیند رشد به اندازه کافی توجه نکرده اند. همانگونه که آسم اوغلو و همکاران (Acemoglu et al., 2014) بیان می کنند، نهادها از طریق تأثیر بر بهره وری کل عوامل تولید، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی، توسعه را تحت تأثیر قرار می دهد. این آثار به حدی است که انگرمن و سوکولوف (Engerman & Sokoloff, 1997 & 2011) مسیرهای متفاوت توسعه کشورهای قاره آمریکا طی پانصد سال گذشته را ناشی از شرایط اولیه این کشورها در برخورداری از متغیرهای نهادی می دانند.

کشورها با ویژگی های متفاوت از ساختار اقتصادی و فرهنگ و امور سیاسی و اجتماعی، کارکردهای مختلفی از این تأثیر متقابل را تجربه می کنند. هدف اصلی این مقاله، ارائه یک توضیح علمی برای تبیین تأثیر متقابل حکمرانی و توسعه در کشورهای صادرکننده نفت با تمایز بین کشورهای خاورمیانه و غیرخاورمیانه می باشد. بدین منظور، فرضیه زیر مورد آزمون قرار می گیرد. تفاوت معناداری بین تأثیر متقابل حکمرانی و توسعه در کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه با کشورهای صادرکننده نفت غیرخاورمیانه وجود دارد.

منظور از کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت براساس شاخص نسبت صادرات نفت به کل صادرات، شامل کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، اردن، قطر، کویت، بحرین، اردن، یمن، مصر و امارات متحده عربی است و کشورهای صادرکننده نفت غیرخاورمیانه، شامل کشورهای آذربایجان، برونئی و دارالسلام، جمهوری کنگو، الجزایر، گابن، قزاقستان، لیبی، نیجریه، نروژ، روسیه، سودان، ترکمنستان، ترینیداد و توباگو و ونزوئلا می باشد.

در ابتدا مبانی نظری و پس از آن، روش شناسی و مدل برآوردی و آزمون فرضیه ارائه شده و در نهایت، نتایج و پیشنهادها خواهد آمد. لازم به ذکر است که در این مقاله، حکمرانی به عنوان عاملی برای اندازه گیری نهادها تعریف شده است.

## ۲. ادبیات موضوع

یکی از عوامل مؤثر بر توسعه که به صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، بحث نهادها و حکمرانی است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه، به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیرهایی مانند بهره‌وری، سرمایه انسانی، توسعه مالی و برابری تا حدی است که برخی از محققان نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت توسعه کشورها می‌دانند (Rodrik; Subramanian & Trebbi, 2004; Glaeser et al., 2004 و Acemoglu et al., 2014).

کشورهای صادرکننده نفت، علاوه بر اینکه برای ورود این کالا پرداختی ندارند، از صادرات این محصول، درآمد سرشاری به دست می‌آورند. به نظر می‌رسد عامل نهادها می‌تواند در استفاده از این موهبت در جهت توسعه تعیین‌کننده باشد (Mesagan & Eregha, 2016).

ارتباط منفی میان فراوانی منابع طبیعی و توسعه، از طریق اثر فراوانی منابع طبیعی بر سیاست‌های اقتصادی قابل توضیح است. هرچه کشورها از لحاظ منابع طبیعی ثروتمندتر باشند، سیاست‌های کلان ضعیف در مدت زمان طولانی‌تر دوام می‌یابد و فشار کمتری برای رسیدن به بلوغ صنعتی وجود خواهد داشت. همچنین گروه‌های رانت جو ریشه دار می‌شوند (El-Anshasy; Mohaddes & Nugent, 2015).

بنت و همکاران (Bennett et al, 2017) و اوسی (Evsey, 2016) معتقدند نهادها می‌توانند در بلندمدت بر توسعه مؤثر باشند. یکی از مهمترین راه‌ها برای بررسی رابطه مستقیم و غیرمستقیم نهادها و توسعه، از طرق سرمایه انسانی است (Faria et al., 2016; Muye & Muye, 2017; Kloosterman & Schotter 2016).

امروزه تفاوت‌های گسترده‌ای در سطح توسعه‌یافتگی و در نتیجه، سطح درآمد و رفاه میان کشورهای توسعه‌یافته و دیگر کشورها وجود دارد. متخصصان رشته‌های علوم اجتماعی، دلایل زیادی را برای وجود این تفاوت‌ها ذکر می‌کنند. برخی از اندیشمندان، شرایط جغرافیایی و آب و هوایی را عاملی برای توسعه می‌دانند. براساس این نظریه، بیشتر کشورهای کمتر توسعه‌یافته، در ناحیه گرمسیری بین مدار رأس سرطان و رأس جدی قرار دارند (Gallup et al., 1999; Dell et al., 2014).

بعضی دیگر از اندیشمندان، شرایط فرهنگی هر جامعه را عامل توسعه‌یافتگی آن جامعه می‌دانند. این عده، شرایط فرهنگی جوامع توسعه‌نیافته مانند نبود اخلاق کاری مناسب، اعتقاد به جادو، مقاومت در برابر پذیرش افکار و فناوری‌های نو، باور بیش از حد به تأثیر عوامل ماوراءالطبیعه در زندگی را مانعی برای رسیدن جوامع به سطح مناسبی از توسعه می‌دانند (Guiso et al., 2006; Tabellini, 2010).

گریف (Greif, 2006) نهادها را سیستمی از قوانین، اعتقادات، هنجارها و سازماندهی‌ها تعریف می‌کند که یک نظم از رفتارهای اجتماعی را به وجود می‌آورند. نهادهای هر جامعه با جامعه دیگر

متفاوت است. آسم اوغلو و رابینسون (Acemoglu & Robinson, 2008) مساله اساسی در زمینه رشد اقتصادی کشورها نه کیفیت یک یا چند نهاد خاص بلکه روش پدید آوردن نظم در جامعه است. نحوه پدید آوردن نظم، کیفیت نهادی و به تبع آن، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد. تفاوت در ماهیت و عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی یکی از علل تفاوت در سطوح توسعه یافتگی کشورها است. نهادهای سیاسی و حقوقی می توانند بر ساختار انگیزشی و فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیت های مؤثر در مقام عامل پیشبرد توسعه اقتصادی ظاهر شده یا در مقابل، با ایجاد انحراف از تولید، افزایش هزینه های مبادلاتی و افزایش ریسک سرمایه گذاری به عنوان یک عامل بازدارنده، نقش ایفا کنند. تأثیر توسعه بر نهادها می تواند هم مستقیم باشد و هم غیرمستقیم، از طریق تأثیر توسعه بر دیگر متغیرهای مؤثر بر نهادها مانند سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و مدیریت منابع طبیعی (امیری، ۱۳۹۵).

نظریه نفرین منابع که در سال ۱۹۹۴ توسط آوتی<sup>۱</sup> مطرح شد، به ارتباط معکوس بین وفور منابع طبیعی و تولید اشاره دارد که می تواند فرایند توسعه را به تأخیر اندازد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ Papyrakis & Gerlagh, 2003).

این نظریه بر مبنای این شناخت اساسی است که اقتصادهای فقیر از لحاظ منابع، عملکرد بهتری در مقایسه با اقتصادهای ثروتمند از لحاظ منابع داشته اند و همچنین بر آثار نهادی و سیاسی فراوانی منابع طبیعی تأکید دارد (Usui, 1997). نفرین یا برکت بودن منابع طبیعی به کیفیت نهادها مربوط است. در رژیم های دیکتاتوری منابع طبیعی، تأثیری مخالف رشد اقتصادی و بهبود دموکراسی ایجاد می کنند (Al-Ubaydli, 2012). کشورهای دارای منابع طبیعی که نظم دموکراتیکی دارند، دچار "نفرین منابع" نشده اند و توانسته اند از منابع خود در جهت رشد اقتصادی استفاده کنند (عبادی و نیکو نسبستی، ۱۳۹۱).

ارتباط منفی میان فراوانی منابع طبیعی و توسعه همچنین از طریق اثر فراوانی منابع طبیعی بر انتخاب سیاستی توضیح داده می شود. هرچه کشورها از لحاظ منابع طبیعی ثروتمندتر باشند، اولاً، سیاست های کلان ضعیف در مدت زمان طولانی تر دوام می یابد. ثانیاً، فشار کمتری برای رسیدن به بلوغ صنعتی سریع وجود خواهد داشت. ثالثاً، گروه های رانت جو، ریشه دار شده و در نهایت، احتمال کاهش شتاب و نامنظم تر شدن رشد اقتصادی بیشتر می شود (Hamdi and Sbia, 2013; Auty, 1994).

تأثیر فراوانی منابع بر شاخص توسعه، تابع کیفیت شاخص های نهادی و مدیریت منابع است. چنانچه کیفیت نهادها به گونه ای باشد که وجوه حاصل از فروش منابع طبیعی صرف اصلاح ساختار اقتصادی شود، منابع طبیعی عاملی برای بهبود توسعه خواهد بود؛ در غیر این صورت، در بلندمدت

1. Auty

موجب تخریب ساختار اقتصاد شده و می‌تواند عامل بازدارنده برای بهبود سطح توسعه باشد (El-Anshasy; Mohaddes & Nugent, 2015).

تأثیر منفی اساسی برای درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در کوتاه مدت وجود دارد؛ ولی در بلند مدت، نرخ رشد بالاتر درآمدهای نفتی، با رشد اقتصادی بیشتری همراه بوده است. نهادها می‌توانند دستاورد اثرات منفی درآمدهای نفتی باشند. رابطه بلند مدت بین درآمد واقعی، نرخ سرمایه‌گذاری و ارزش واقعی تولید نفت وجود دارد (Cavalcanti & Mohaddes & Raissi, 2011).

آسم اغلو و همکاران (Acemoglu et al., 2014) با استفاده از داده‌های ۶۷۰ منطقه در ۴۸ کشور مستعمره به بررسی تأثیر نهادها بر توسعه پرداخته‌اند. متغیر اصلی نهادی در این مطالعه، شاخص نقش قانون در جامعه است. همچنین توسعه با استفاده از شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه نشان داده می‌شود و از روش‌های حداقل مربعات معمولی و روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای استفاده می‌کنند. نتایج تحقیق، حاکی از تأثیر مثبت نهادها بر توسعه است.

صدیقی و احمد (Siddiqui & Ahmed, 2013) به بررسی اثر نهادها بر رشد اقتصادی در ۲۹ کشور منتخب جهان طی بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ پرداخته‌اند. در این مطالعه، از شاخص فناوری‌های اجتماعی نهادسازی، حقوق سیاست‌گذاری و نهادی، حقوق سیاسی، شاخص کاهش ریسک و شاخص جهانی حکمرانی برای معرفی اثر نهادها استفاده، و توسعه اقتصادی با استفاده از شاخص تولید ناخالص داخلی نشان داده شده است. این مطالعه، به بررسی شدت اثرگذاری انواع نهادها بر توسعه اقتصادی می‌پردازد و از روش پانل پویا و گشتاورهای تعمیم یافته<sup>۱</sup> استفاده شده، و نتایج نشانگر آن است که نهادها تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه دارند.

لاو و همکاران (Law et al, 2013)، به بررسی اثر نهادها بر توسعه اقتصادی با استفاده از رهیافت داده‌های ترکیبی و روش تحلیل علیت گرنجر برای ۶۰ کشور در حال توسعه و توسعه یافته منتخب طی بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸ می‌پردازند. در این پژوهش، از شاخص حکمرانی و شاخص هدایت بین‌المللی ریسک کشوری<sup>۲</sup> برای نمایش وضعیت نهادها در هر کشور استفاده و نتیجه شده که رابطه علیت دو طرفه بین نهادها و توسعه اقتصادی وجود دارد و الگوهای علیت بین نهادها و عملکرد اقتصادی در سطوح متفاوت درآمدی مختلف است.

آیر (Iyer, 2010) با استفاده از شاخص ترکیبی، از قوانین انگلستان به عنوان شاخص نهادی و شاخص‌های بهره‌وری و سرمایه‌گذاری برای نشان دادن توسعه و با استفاده از روش تحلیل علیت گرنجر، به این نتیجه می‌رسد که نهادها تأثیر مثبت بر توسعه کشور هندوستان داشته‌اند.

1. GMM, Generalized Method of Moments  
2. ICRG, International Country Risk Guide

دلار و کری (Dollar & Kraay, 2002) با استفاده از شاخص نقش قانون در جامعه به عنوان متغیر نهادی و شاخص تولید ناخالص داخلی برای نشان دادن توسعه، رابطه بین نهادها و توسعه را بررسی می کنند. نتیجه این مطالعه حاکی از آن است که نهادها تأثیر مثبت بر توسعه دارند. شاه آبادی و پورجوان (۱۳۹۱)، با بیان شاخص حکمرانی به عنوان عامل اساسی توسعه اقتصادی، به تحلیل آماری شاخص های حکمرانی و برخی از متغیرهای توسعه اجتماعی و اقتصادی طی دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ برای ۳۵ کشور برگزیده از آسیای جنوب شرقی، غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا می پردازند. بر اساس نتایج حاصل شده، بهبود شاخص های حکمرانی می تواند اثرات معناداری بر ارتقاء شاخص های توسعه مانند درآمد سرانه، امید به زندگی، بهداشت، آموزش، نرخ بیکاری و افزایش رفاه اجتماعی داشته باشد.

شاه آبادی و دهقانی احمدآباد (۱۳۹۰)، به بررسی اثرات متقابل شاخص نهاد و سرریز تحقیق و توسعه بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت<sup>۱</sup> طی دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ پرداخته، و متغیرهای کیفیت آموزش، محیط کسب و کار و حق ثبت اختراع را برای نشان دادن نهادها به کار گرفته اند. نتایج نشان دهنده این مطلب است که نهادها از طریق اثر متقابل بر سرریز تحقیق و توسعه، بر رشد اقتصادی کشورهای دی هشت تأثیر مثبت دارند.

سامتی و همکاران (۱۳۹۰) تأثیر شاخص حکمرانی بر توسعه اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا را طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ بررسی کرده اند. در این مطالعه، توسعه اقتصادی با استفاده از شاخص توسعه انسانی نشان داده می شود. نتایج، نشان دهنده تأثیر مثبت حکمرانی بر توسعه اقتصادی است. کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷) ارتباط حکمرانی و رشد اقتصادی را دو گروه کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۲</sup> و سازمان کشورهای صادرکننده نفت<sup>۳</sup> با استفاده از روش داده های ترکیبی در دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ آزمون نموده اند. نتایج نشان می دهد، ارتباط مثبت و معنی داری میان شاخص حکمرانی و رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورها وجود دارد و میزان تأثیرگذاری شاخص حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای صادرکننده نفت، بیشتر از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است.

علاوه بر تأثیر نهادها بر توسعه، توسعه نیز می تواند بر نهادها مؤثر باشد. با افزایش سطح درآمد کشورها و در نتیجه، بهبود سطح توسعه آنها، سرمایه گذاری در بهداشت و آموزش به عنوان اجزای اصلی سرمایه انسانی افزایش می یابد (Mincer, 1996; Hamoudi and Sachs, 2000; Mehrara and Musai, 2013; Sen, 2014).

- 
1. D8
  2. OECD
  3. OPEC

از دیگر راه‌هایی که توسعه می‌تواند بر نهادها تأثیرگذار باشد، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی دانست که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن هزینه مبادلات می‌شود (Fukuyama, 2001). این تأثیر می‌تواند از طریق اثرگذاری مثبت بر حس اطمینان افراد جامعه نسبت به یکدیگر، احساس مسئولیت نسبت به همدیگر، افزایش انباشت سرمایه انسانی و اثرگذاری بر بهره‌وری و رشد و توسعه اقتصادی اتفاق بیفتد (Marrocu & Paci, 2010; Sabatini, 2005).

کافمن و کری (Kaufmann & Kraay, 2002) با استفاده از داده‌های ۱۷۵ کشور طی بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ ارتباط بین شاخص حکمرانی و توسعه را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که به‌رغم اینکه حکمرانی باعث بهبود سطح توسعه می‌شود، اما توسعه اثر منفی بر شاخص نهادی حکمرانی دارد.

چونگ و کالدرون (Chong & Calderon, 2000) با استفاده از داده‌های ۵۵ کشور طی دوره ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۵ و استفاده از شاخص‌های گوناگون نهادی، رابطه علیت بین نهادها و توسعه را بررسی می‌کنند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که بین نهادها و توسعه رابطه علیت دو سویه وجود دارد. در مورد تأثیر نهادها بر توسعه مالی، می‌توان گفت نهادهای کارا از طریق ایجاد فرصت‌های نسبتاً برابر برای استفاده از منابع مالی، نظارت بر قوانین مالی در راستای شفافیت، ایجاد نهادهای تخصصی مالی و اجرای پروژه‌هایی با بازدهی بالا برای سرمایه‌گذاری می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری منابع مالی شود و از این طریق باعث بهبود توسعه مالی گردد (Aderemi, 2014; Baltabaev, 2014; Silberberger, 2015).

تأثیر متقابل حکمرانی و توسعه همیشه مورد توجه محققان توسعه اقتصادی بوده است و عامل نفرین منابع می‌تواند اهمیت و ضرورت این توجه را تشدید نماید. از طرف دیگر، روش برآورد در بیشتر مطالعات تجربی به صورت تک معادله است و در این مطالعه، تأثیر آن، در قالب سیستم معادلات می‌باشد. در تک معادلات، رابطه یک متغیر با یک یا چند متغیر بدون توجه به تأثیر متقابل متغیرهای مستقل بر هم و بر متغیر تابع و تأثیری که می‌توانند بر سایر متغیرها داشته باشند، یا از آنها بپذیرند، برآورد صورت می‌گیرد؛ ولی در سیستم معادلات به این اثرات توجه می‌شود (Baltagi, 2011).

### ۳. روش شناسی

روش انجام این مطالعه، در قالب سیستم معادلات همزمان صورت می‌پذیرد و سیستم معادلات مورد استفاده، بدین صورت است:

$$DEV_{it} = \beta_0 + \beta_1 INS_{it} + \beta_2 INO_{it} + \beta_3 HC_{it} + \beta_4 EQU_{it} + \beta_5 \left(\frac{K}{L}\right)_{it} + \beta_6 DCP_{it} + \beta_7 POP_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

$$INS_{it} = \phi_0 + \phi_1 DEV_{it} + \phi_2 HC_{it} + \phi_3 EQU_{it} + \phi_4 DCP_{it} + v_{it} \quad (۲)$$

$$EQU_{it} = \chi_0 + \chi_1 DEV_{it} + \chi_2 INS_{it} + \chi_3 HC_{it} + \chi_4 \left(\frac{K}{L}\right)_{it} + \chi_5 GDP_{it} + \chi_6 EF_{it} + \mu_{it} \quad (۳)$$

$$DCP_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 INS_{it} + \lambda_2 HC_{it} + \lambda_3 EF_{it} + \lambda_4 INF_{it} + \Psi_{it} \quad (۴)$$

$$HC_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 INS_{it} + \gamma_2 ITC_{it} + \gamma_3 DCP_{it} + \gamma_4 GDP_{it} + \gamma_5 FDI_{it} + \phi_{it} \quad (۵)$$

در معادلات بالا DEV: شاخص توسعه، INS: شاخص حکمرانی، INO: نوآوری HC: سرمایه انسانی، EQU: برابری، K/L: شدت سرمایه، DCP: توسعه مالی، POP: جمعیت، GDP: تولید، EF: آزادی اقتصادی، INF: تورم، IT: فناوری اطلاعات، FDI: سرمایه گذاری مستقیم خارجی، t: سال و i: کشور می باشد. شاخص در نظر گرفته شده برای سرمایه انسانی، از داده های بارولی (Barro & Lee, 2015) و شاخص در نظر گرفته شده برای متغیر آزادی اقتصادی از داده های موسسه فریزر (Fraser, 2015) و داده های مورد استفاده برای سایر متغیرها از پایگاه بانک جهانی (World Bank, 2015) گرفته شده است.

هنگام کار با متغیرهایی که دارای مقیاس های متفاوت هستند امکان دارد برخی از شاخص ها، ضرایب تخمینی را دچار انحراف کنند. برای رفع این مشکل، به پیروی از روش برنامه توسعه سازمان ملل (United Nations Development Program, 2014) برای محاسبه شاخص توسعه انسانی، تمام متغیرها نرمال می شوند. (Sen & Sudhir, 1994).

شاخص توسعه (DEV): شاخص در نظر گرفته شده برای توسعه از میانگین وزنی داده های زیر شاخص ده بخش و بیست و هفت متغیر ساخته می شود. منبع این انتخاب گزارش سازمان ملل (۲۰۰۷) در رابطه با شاخص و زیر شاخص های توسعه پایدار است (هندریکس (Hendricks, 2004)، سوبارائو (Subarao, 2008) و سیلبربرگر (Silberberger, 2015)، بلوم و همکاران (Bloom et al., 2004) و بلوم و کانینگ (Bloom & Canning, 2005)، گورگول و لاچ (Gurgul & Lach, 2012)، گالور و همکاران (Galor et al., 2006)، سلدن و سانگ (Selden & Song, 1994) و کونستانتینی و مونی (Constantini & Monni., 2006)، آلاق (Alagh., 2010)، باربیر (Barbier., 2003) و کونستانتینی و لیبراتی (Constantini & Liberati, 2011).

شاخص حکمرانی (INS): برای نشان دادن این متغیر از شاخص های حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه گردیده است، استفاده می شود. شاخص کلی به صورت میانگین وزنی از شش شاخص حاصل می شود. این شاخص ها عبارتند از شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت،



اثر بخشی دولت، کیفیت تنظیم گری مقررات، تأمین قضایی، کنترل فساد (D'Agostino et al., 2012; Srithongkul and Pastpipatkul, 2013; Boikos, 2013; Baxamusa and Jalal, 2014). آزادی اقتصادی (EF): برای نشان دادن این متغیر از شاخص آزادی اقتصادی که از پنج زیر شاخص اندازه دولت، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت بین‌المللی و مقررات بازار اعتباری، کار و کسب و کار استفاده می‌شود.

سرمایه انسانی (HC): این متغیر با استفاده از شاخص میانگین وزنی سال‌های تحصیل افراد ۱۵ سال و بالاتر نشان داده می‌شود.

برابری (EQU): برای نشان دادن این متغیر، از میانگین وزنی پنج شاخص نسبت افراد فقیر جامعه به کل جامعه، سهم درآمدی ۲۰ درصد ثروتمند جامعه، سهم درآمدی ۲۰ درصد فقیر جامعه، درصد جمعیت با دسترسی به آب سالم، و درصد جمعیت با دسترسی به فاضلاب استفاده می‌شود.

شدت سرمایه (K/L): برای نشان دادن این متغیر، از نسبت انباشت سرمایه فیزیکی به تعداد نیروی کار استفاده می‌شود.

توسعه مالی (DCP): برای نشان دادن این متغیر، از شاخص نسبت اعتبارات اختصاص داده شده به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> استفاده می‌شود.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI): برای نشان دادن این متغیر، از شاخص خالص جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود.

تورم (INF): برای نشان دادن این متغیر، از شاخص قیمت مصرف کننده استفاده می‌شود.

تولید (GDP): برای نشان دادن این متغیر، از شاخص تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰ استفاده می‌شود.

نوآوری (INO): برای نشان دادن این متغیر، از تعداد اختراعات ثبت شده توسط افراد مقیم هر کشور استفاده می‌گردد.

جمعیت (POP): برای نشان دادن این متغیر، از شاخص جمعیت استفاده می‌گردد.

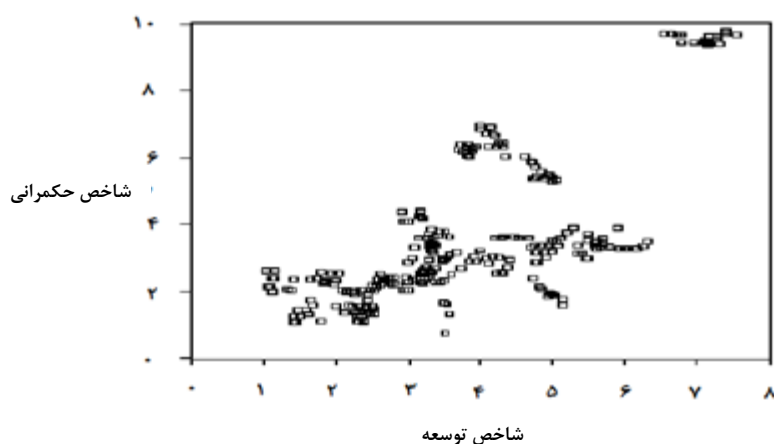
#### ۴. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل

نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای صادرکننده نفت غیر خاورمیانه، بدین قرار است.

جدول ۱. خلاصه برآورد برای کشورهای صادرکننده نفت غیرخاورمیانه

متغیر تابع	متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	سطح احتمال
توسعه	مقدار ثابت	۰/۸۰۴۹	۹/۷۰۷۵	۰/۰۰۰۰
	حکمرانی	۰/۱۹۹۱	۹/۶۵۶۸	۰/۰۰۰۰
	نوآوری	۰/۰۶۰۸	۴/۴۵۸۴	۰/۰۰۰۰
	سرمایه انسانی	۰/۰۵۵۸	۴/۴۷۵۰	۰/۰۰۰۰
	برابری	۰/۳۸۹۹	۳۸/۲۲۲۱	۰/۰۰۰۰
	شدت سرمایه	۰/۰۸۷۷	۴/۵۳۵۶	۰/۰۰۰۰
	توسعه مالی	۰/۰۵۳۵	۳/۶۶۲۵	۰/۰۰۰۳
	جمعیت	۰/۰۳۴۹	۳/۹۳۸۷	۰/۰۰۰۱
حکمرانی	مقدار ثابت	-۰/۲۳۴۸	-۱/۶۳۱۶	۰/۱۰۳۰
	توسعه	-۰/۸۳۹۷	۱۱/۷۶۴۶	۰/۰۰۰۰
	سرمایه انسانی	-۰/۱۸۲۷	۷/۱۱۱۱۳	۰/۰۰۰۰
	برابری	-۰/۳۸۵۲	-۱۳/۸۸۷۶	۰/۰۰۰۰
برابری	توسعه مالی	-۰/۴۹۴۸	۱۷/۹۷۵۷	۰/۰۰۰۰
	مقدار ثابت	-۲/۳۹۴۷	-۱۲/۶۳۲۴	۰/۰۰۰۰
	توسعه	۲/۲۷۵۱	۳۴/۵۱۴۸	۰/۰۰۰۰
	حکمرانی	-۰/۶۰۹۰	-۱۳/۵۸۶۲	۰/۰۰۰۰
	سرمایه انسانی	-۰/۱۰۵۵	-۳/۲۱۳۴	۰/۰۰۱۳
	شدت سرمایه	-۰/۲۴۱۸	-۵/۴۱۵۸	۰/۰۰۰۰
	تولیدناخالص داخلی	۰/۰۰۲۱	۰/۰۷۲۰	۰/۹۴۲۶
	آزادی اقتصادی	۰/۰۹۲۰	۳/۵۹۶۹	۰/۰۰۰۳
توسعه مالی	مقدار ثابت	-۱/۱۹۸۶	-۲/۷۷۰۲	۰/۰۰۵۷
	حکمرانی	-۰/۹۹۰۱	۲۲/۳۳۸۴	۰/۰۰۰۰
	سرمایه انسانی	۰/۰۰۸۷	۰/۲۴۱۰	۰/۸۰۹۶
	آزادی اقتصادی	۰/۰۵۳۳	۱/۷۲۱۰	۰/۰۸۵۵
	تورم	-۰/۰۰۴۶	-۰/۰۹۹۰	۰/۹۲۱۱
سرمایه انسانی	مقدار ثابت	-۰/۶۲۸۷	۲/۱۰۱۰	۰/۰۳۵۸
	حکمرانی	۱/۰۹۰۴	۱۱/۴۹۱۷	۰/۰۰۰۰
	فناوری اطلاعات	-۰/۰۸۱۶	-۱/۵۳۹۳	۰/۱۲۴۰
	توسعه مالی	-۰/۰۴۱۰	-۰/۴۲۴۸	۰/۶۷۱۰
	تولیدناخالص داخلی	۰/۲۰۹۵	۳/۸۶۲۷	۰/۰۰۰۱
	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	-۰/۰۷۲۱	-۰/۹۳۷۵	۰/۳۴۸۷

مأخذ: یافته های پژوهش



نمودار ۱. رابطه بین توسعه و حکمرانی در کشورهای صادرکننده نفت غیر خاورمیانه

نتایج حاصل از برآورد مدل برای کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت به قرار زیر است.

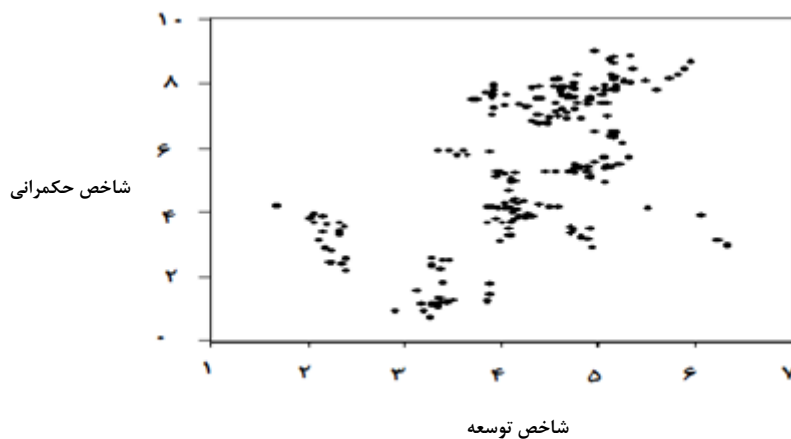
جدول ۲. خلاصه برآورد برای کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه

متغیر تابع	متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	سطح احتمال
توسعه	مقدار ثابت	۱/۷۹۹۲	۱۸/۳۳۴۲	۰/۰۰۰۰
	حکمرانی	۰/۰۲۴۹	۱/۴۰۴۷	۰/۱۶۰۴
	نوآوری	۰/۰۲۲۹	۲/۳۸۵۰	۰/۰۱۷۳
	سرمایه انسانی	۰/۰۸۳۶	۷/۸۰۹۸	۰/۰۰۰۰
	برابری	۰/۳۳۴۵	۲۲/۹۰۶۳	۰/۰۰۰۰
	شدت سرمایه	۰/۰۵۰۰	۴/۱۷۰۵	۰/۰۰۰۰
	توسعه مالی	۰/۰۷۶۶	۶/۲۳۸۹	۰/۰۰۰۰
	جمعیت	-۰/۰۲۵۱	-۲/۲۲۱۸	۰/۰۲۶۵
حکمرانی	مقدار ثابت	-۰/۰۳۰۶	-۰/۰۵۷۵	۰/۹۵۴۲
	توسعه	۱/۰۶۴۳	۴/۸۶۷۹	۰/۰۰۰۰
	سرمایه انسانی	-۰/۰۱۱۲	-۰/۲۱۰۲	۰/۸۳۳۶
	برابری	-۰/۴۳۸۳	-۵/۵۹۰۴	۰/۰۰۰۰
برابری	توسعه مالی	۰/۷۲۱۳	۱۳/۶۴۸۳	۰/۰۰۰۰
	مقدار ثابت	-۳/۷۳۸۳	-۱۰/۶۹۵۴	۰/۰۰۰۰
	توسعه	۲/۵۲۷۳	۲۲/۳۹۳۸	۰/۰۰۰۰
	حکمرانی	-۰/۲۰۸۹	-۳/۹۱۷۰	۰/۰۰۰۱
	سرمایه انسانی	-۰/۱۴۳۰	-۴/۱۸۱۶	۰/۰۰۰۰
شدت سرمایه	-۰/۱۳۴۱	-۳/۸۷۴۹	۰/۰۰۰۱	

متغیر تابع	متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	سطح احتمال
	تولیدناخالص داخلی	-۰/۰۴۷۵	-۱/۵۴۳۵	۰/۱۲۳۰
	آزادی اقتصادی	-۰/۰۸۶۹	-۱/۸۵۱۸	۰/۰۶۴۳
توسعه مالی	مقدار ثابت	-۱/۵۴۲۳	-۲/۶۸۹۴	۰/۰۰۷۳
	حکمرانی	۰/۹۹۵۵	۱۵/۳۱۷۹	۰/۰۰۰۰
	سرمایه انسانی	۰/۰۶۸۰	۱/۳۱۴۰	۰/۱۸۹۱
	آزادی اقتصادی	-۰/۰۱۳۹	-۰/۱۷۱۱	۰/۸۶۴۲
	تورم	-۰/۰۶۵۱	-۰/۸۲۵۳	۰/۴۰۹۴
	مقدار ثابت	۳/۳۴۷۷	۷/۴۹۹۲	۰/۰۰۰۰
سرمایه انسانی	حکمرانی	۰/۳۵۵۹	۳/۹۱۲۶	۰/۰۰۰۱
	فناوری اطلاعات	۰/۲۰۷۶	۳/۳۶۶۴	۰/۰۰۰۸
	توسعه مالی	-۰/۲۱۰۱	-۲/۲۴۵۷	۰/۰۲۴۹
	تولیدناخالص داخلی	۰/۴۴۰۶	۶/۹۴۲۱	۰/۰۰۰۰
	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	۰/۵۷۸۴	۳/۷۷۷۲	۰/۰۰۰۲

مأخذ: یافته های پژوهش

توجه و تمرکز اصلی این پژوهش، بر روی تفاوت و تمایز رابطه بین حکمرانی و توسعه در بین کشورهای صادرکننده نفت غیرخاورمیانه و کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه است. به این ترتیب، معادلات اول و دوم که به تبیین این ارتباط می پردازند، از اهمیت بیشتری نسبت به سایر معادلات برخوردارند.



نمودار ۲. رابطه بین توسعه و حکمرانی در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت

تأثیر متقابل حکمرانی و توسعه در کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه و غیرخاورمیانه، مثبت و همسو و در اکثر موارد در سطحی بالای ۹۷ درصد اطمینان معنادار است؛ ولی این تأثیر یکسان نیست. تأثیر حکمرانی بر توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت، کمتر از همین تأثیر در کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت بوده، اما در مورد تأثیر توسعه بر حکمرانی، موضوع متفاوت است. تأثیر توسعه بر حکمرانی در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت، بیش از همین تأثیر در کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت می باشد.

### جدول ۳. مقایسه تأثیر متقابل حکمرانی و توسعه

اندازه ضریب	نوع	گروه
۰/۰۲۴۸۸۵	ضریب اثرگذاری حکمرانی بر توسعه	کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت
۱/۰۶۴۲۵۲	ضریب اثرگذاری توسعه بر حکمرانی	
-۰/۱۹۹۰۸۶	ضریب اثرگذاری حکمرانی بر توسعه	کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت
-۰/۸۳۹۶۷۴	ضریب اثرگذاری توسعه بر حکمرانی	

مأخذ: یافته های پژوهش

### ۴-۱. آزمون والد

براساس خروجی برآوردی سیستم معادلات همزمان به روش حداقل مربعات سه مرحله ای، نتایج آزمون والد، حکایت از تفاوت معنادار ضرایب برآوردی در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای غیر خاورمیانه صادرکننده نفت، هم از نظر تأثیر حکمرانی بر توسعه و هم، از نظر تأثیر توسعه بر حکمرانی دارد.

### جدول ۴. خلاصه آزمون والد برای ضرایب اثرگذاری

سطح احتمال	آماره	رابطه تأثیر ضریب
۰/۰۰۱۷	۹/۹۰۰۷۹	ضریب اثرگذاری توسعه بر حکمرانی در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت
۰/۳۰۴۳	۱/۰۵۵۱۸۱	ضریب اثرگذاری توسعه بر حکمرانی در کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت
۰/۰۰۰۰	۷۱/۳۹۷۸۲	ضریب اثرگذاری حکمرانی بر توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت
۰/۰۰۰۰	۹۶/۶۸۶۸۴	ضریب اثرگذاری حکمرانی بر توسعه در کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت

مأخذ: یافته های پژوهش

#### ۲-۴. آزمون کروسکال-والیس و آزمون حداقل اختلاف معنی دار

آزمون کروسکال-والیس، علاوه بر آزمون والد برای تعیین برابری (تفاوت) میانگین های دو جامعه به کار گرفته می شود. در تمام موارد آزمون، کای دو برآوردی کمتر از کای دو جدول بود و نتایج حاصل از این برآورد، تأیید کننده نتایج آزمون والد در سطح ۹۵ درصد اعتماد است. نتایج حاصل از آزمون والد و کروسکال-والیس تفاوت ضرایب تأثیر حکمرانی بر توسعه و توسعه بر حکمرانی در کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت با کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت را رد نمی کند؛ لذا این تفاوت به دست آمده را می توان مورد آزمون حداقل اختلاف معنادار قرار داد. عدم تفاوت تأثیر حکمرانی بر توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت، با همین تأثیر در کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت، در سطح کمتر از یک درصد اعتماد پذیرفتنی است. به عبارت دیگر، اختلاف معناداری بین این دو تأثیر در آزمون حداقل اختلاف معنادار در سطح ۹۹ درصد، رد نمی شود. این سطح احتمال برای تأثیر توسعه بر حکمرانی نیز ۹۹ درصد است.

#### ۵. جدول نتایج آزمون حداقل اختلاف معنادار

گروه کشورها	جهت اثر	آماره	تفاوت ضرایب	سطح احتمال
صادرکننده نفت غیرخاورمیانه	تأثیر حکمرانی بر توسعه	۰/۰۲۶۰۱۳	۰/۱۷۴۲	۰/۰۰۰۰
با خاورمیانه صادرکننده نفت	تأثیر توسعه بر حکمرانی	۰/۰۴۸۴۰۱	۰/۲۲۴۵	۰/۰۰۰۰

مأخذ: یافته های پژوهش

#### ۵. نتایج و پیشنهادها

یافته ها نشان می دهد در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت و کشورهای خاورمیانه غیرصادرکننده نفت، تفاوت معناداری بین تأثیر متقابل حکمرانی و توسعه وجود دارد. ضریب برآوردی تأثیر توسعه بر حکمرانی در هر دو گروه، بیش از ضریب برآوردی تأثیر حکمرانی بر توسعه است. لذا توجه به توسعه، علاوه بر بهبود شاخص های آن، شرایط حکمرانی را ارتقا داده و باعث بهبود عملکرد می شود. این تأثیر از طریق حکمرانی نیز وجود دارد؛ ولی سرعت تغییر از طرف توسعه بیشتر است.

هرچند که در هر دو گروه کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه و غیرخاورمیانه، علامت ضریب تأثیر توسعه بر حکمرانی و حکمرانی بر توسعه مثبت است؛ ولی اندازه آنها متفاوت می باشد. تأثیر توسعه بر حکمرانی در کشورهای غیرخاورمیانه صادرکننده نفت، کمتر از همین تأثیر در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت است. همچنین تأثیر حکمرانی بر توسعه در کشورهای غیرخاورمیانه

صادرکننده نفت، بسیار بیش از تأثیر حکمرانی بر توسعه در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت می‌باشد. این تفاوت بین دو گروه از نظر اثر گذاری حکمرانی بر توسعه و توسعه بر حکمرانی بود. از طرف دیگر، در داخل گروه‌ها نیز اثر گذاری‌ها یکسان نیست. اثر گذاری توسعه بر حکمرانی ۴/۲۲ برابر اثر گذاری حکمرانی بر توسعه در کشورهای غیر خاورمیانه صادرکننده نفت است و این در حالی است که اثر گذاری توسعه بر حکمرانی در کشورهای خاورمیانه صادرکننده نفت ۴۲/۷۷ برابر اثر گذاری حکمرانی بر توسعه در این کشورها می‌باشد. آزمون والد برای تعیین برابری ضرایب این تفاوت‌ها را تأیید کرده و فرضیه صفر مقاله رد نمی‌شود. این فرضیه بیشتر به عامل تمایز محیط جغرافیایی باز می‌گردد که خود در بردارنده دین و برخی از فرهنگ و آداب و رسوم است، به رغم یکسانی در تعریف آنچه که صادرکننده نفت نامیده می‌شود. عدم رد فرضیه مطروحه بدین معنی است که با وجود یکسانی در عامل صدور نفت، تفاوت و تمایز در محیط جغرافیایی می‌تواند باعث تفاوت در عملکرد حکمرانی بر توسعه و توسعه بر حکمرانی شود. در هر دو گروه از کشورها، تأثیر توسعه بر حکمرانی به مراتب بیش از تأثیر حکمرانی بر توسعه است.

#### ۵-۱. پیشنهادها

موضوع مورد مطالعه و متغیرهای مورد استفاده در آن، در اندازه‌ای است که امکان ارائه پیشنهاد سیاستی مؤثر را فراهم نمی‌آورد و از طرف دیگر، فرایند تغییر متغیرهای اقتصادی و بویژه آنچه که به عنوان توسعه و حکمرانی تعریف می‌کنیم، بسیار زمان‌بر و در بیشتر مواقع، غیر قابل دستکاری و حتی توصیه پذیر می‌باشند.

مطالعه حاضر، توجه و تمرکز خود را به خاورمیانه و صدور نفت به عنوان یک عامل مؤثر در فرایند توسعه معطوف داشته است. پیشنهاد می‌شود مطالعاتی در خصوص کشورهای غیر خاورمیانه که صادرکننده نفت نیستند و همچنین در مورد کشورهای خاورمیانه که صادرکننده نفت هم نیستند، انجام شود.

مطالعات پیشنهادی امکان بررسی عامل محیط جغرافیایی و فرهنگ و آداب رسوم و عامل صادرات نفت را به شکلی دیگر و از حیث تفاوت آنها نشان می‌دهد. چرایی تأثیر بیشتر توسعه بر حکمرانی در مقایسه با تأثیر حکمرانی بر توسعه، موضوع بسیار مهمی است که می‌تواند توضیح دهنده برخی دیگر از ویژگی‌های رابطه بین توسعه و حکمرانی باشد.

بیش از آنچه که حکمرانی باعث توسعه شود، توسعه باعث بهبود حکمرانی می‌گردد. این موضوع در مورد کشورهای خاورمیانه اعم از صادرکننده و غیر صادرکننده نفت، صادق است. لذا توجه به توسعه، علاوه بر بهبود شاخص‌های آن، شرایط حکمرانی را ارتقا داده و باعث بهبود عملکرد می‌شود. این تأثیر از طریق حکمرانی نیز وجود دارد؛ ولی سرعت تغییر از طرف توسعه بیشتر است.

### منابع و مآخذ

- اسدی، زیور؛ بهرامی، جاوید و طالب لو، رضا (۱۳۹۲). تأثیر پدیده نفرین منابع بر توسعه مالی و رشد اقتصادی در قالب الگوی پانل پویا. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی*؛ ۳ (۱۰): ۹-۲۶.
- امیری، بهزاد (۱۳۹۵). نهاد ها و توسعه در کشورهای اسلامی عضو گروه D8. پایان نامه مقطع دکتری اقتصاد دانشگاه بوعلی همدان به راهنمایی دکتر ابولفضل شاه آبادی.
- سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخص های توسعه انسانی؛ مطالعه موردی کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN). *فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی* ۱ (۴): ۱۸۳-۲۲۳.
- شاه آبادی، ابولفضل و پورجوان، عبدالله (۱۳۹۱). رابطه حکمرانی با شاخص توسعه اقتصادی اجتماعی کشورهای برگزیده. *دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه مشهد* ۹ (۲): ۳۵-۷۵.
- شاه آبادی، ابولفضل و دهقانی احمدآبادی، هانی (۱۳۹۰). تأثیر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی عضو D8. *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین* ۶ (۲۱ و ۲۲): ۴۹-۷۵.
- عبادی، جعفر و نیکو نسبتي، علی (۱۳۹۱). منابع طبیعی، نهادها و رشد اقتصادی. *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه*، ۱۷ (۴): ۱۲-۲۴.
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. *فصلنامه مدل سازی اقتصادی* ۲ (۲): ۱-۲۴.
- Acemoglu, D. & Robinson, J. A. (2008). The role of institutions in growth and development. Commission on growth and development, Working Paper No. 10.
- Acemoglu, D. (2008). Interactions between governance and growth. The World Bank (ed.) Governance, Growth, and Development Decision-making, The World Bank. Washington: 1-7.
- Acemoglu, D.; Gallego, F.A. and Robinson, J.A. (2014). Institution, human capital and development. Instituto de Economia. Pontificia Universidad Católica de Chile, Working Paper No. 449.
- Acemoglu, D.; García-Jimeno, C. and Robinson, J.A. (2015). State capacity and economic development: A network approach. *The American Economic Review*, 105(8): 2364-2409.
- Aderemi, T. (2014). Does human capital investment matter in economic development? Evidence from a Nigerian micro-data. *International Journal of Education Economics and Development*, 5(2): 127-139.
- Alagh, Y.K. (2010). The food, water and energy interlinkages for sustainable development in India. *South Asian Survey*, 17(1): 159-178.



- Al-Ubaydli, O. (2012). Natural resources and the tradeoff between authoritarianism and development. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 81(1): 137-152.
- Baltabaev, B. (2014). Foreign direct investment and total factor productivity growth: new macro-evidence. *The World Economy*, 37(2): 311-334.
- Baltagi, Badi H. (2011). *Econometrics*. Springer publisher: 418-420.
- Barbier, E.B. and Cox, M. (2003). Does economic development lead to mangrove loss? a cross-country analysis. *Contemporary Economic Policy*, 21(4): 418-432.
- Barro-Lee, Educational Attainment Dataset, Annual Reports: www.barrolee.com.
- Baxamusa, M. and Jalal, A. (2014). The effects of corruption on capital structure: when does it matter?. *The Journal of Developing Areas*, 48(1): 315-335.
- Bennett, Daniel; Hugo J. Faria; James D. Gwartney and Daniel R. Orales (2017). Economic Institutions and Comparative Economic Development: A Post-Colonial Perspective. *World Development* . (96): 503-519.
- Bloom, D.E.; Canning, D. and Sevilla, J. (2004). The effect of health on economic growth: a production function approach . *World development*, 32(1): 1-13.
- Bloom, D.E.; Canning, D. and Sevilla, J. (2005). Health and economic growth: reconciling the micro and macro evidence. Center on Democracy, Development and the Rule of Law Working Papers, 42.
- Boikos, S. (2013). Corruption, public expenditure, and human capital accumulation. The Rimini Centre for Economic Analysis, Working Paper No. 17-13.
- Cavalcanti, Tiago V. de Vand; Kamiar Mohaddes and Mehdi Raissi (2011). Growth, development and natural resources: new evidence using a heterogeneous panel analysis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 51(4): 305-318.
- Chong, A. and Calderon, C. (2000). Causality and feedback between institutional measures and economic growth. *Economics & Politics*, 12(1): 69-81.
- Costantini, V. and Liberati, P. (2011). Technology transfer, institutions and development. University Degli Studi, Dipartimento Di Economia, Working Paper No 135.
- Costantini, V. and Monni, S. (2008). Environment, human development and economic growth. *Ecological Economics*, 64(4): 867-880.
- D'Agostino, G.; Dunne, J. and Pieroni, L. (2012). Government spending, corruption and economic growth. University of Cape Town. Southern Africa Labor and Development Research Unit (SALDRU), Working Paper No. 74.
- Dell, M.; Jones, B.F. and Olken, B.A. (2014). What do we learn from the weather?. The new climate-economy literature. *Journal of Economic Literature*, 52(3): 740-798.
- Dollar, D. and Kraay, A. (2002). Institution, trade and growth. Paper prepared for the Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy. The World Bank.

- El-Anshasy, Amany; Kamiar Mohaddes, and Jeffrey B. Nugent (2015). Oil, Volatility and Institutions: Cross-Country Evidence from Major Oil Producers. Cambridge Working Papers in Economics .
- Engerman, S.L. and Sokoloff, K.L. (1997). Factor endowments, institutions, and differential paths of growth among new world economies. Published: in Stephen Haber, ed., How Latin America Fell Behind, Stanford University Press: 260-304.
- Eregha P.B. & Ekundayo Peter Mesagan (2016). Oil resource abundance, institutions and growth: Evidence from oil producing African countries. *Journal of Policy Modeling* 38 (2016): 603-619.
- Evsey, Gurvich (2016). Institutional constraints and economic development. *Russian Journal of Economics* 2: 349-374.
- Faria, j.; Hugo, J.; Hugo, M.; Montesinos-Yufa; Daniel R. Moralesd & Carlos E. Navarrob (2016). Unbundling the roles of human capital and institutions in economic development. *European Journal of Political Economy* 45: 108-128.
- Fraser Institution, Economic Freedom of the World, Annual Reports: <https://www.fraserinstitution.org>.
- Fukuyama, F. (2001). Social capital, civil society and development. *Third World Quarterly*, 22(1): 7-20.
- Gallup, J.L.; Sachs, J.D. and Mellinger, A.D. (1999). Geography and economic development. *International Regional Science Review*, 22(2): 179-232.
- Galor, O. (2011). Inequality, human capital formation and the process of development. National Bureau of Economic Research. No. w17058.
- Glaeser, E.L.; La Porta, R.; Lopez-de-Silanes, F. and Shleifer, A. (2004). Do institutions cause growth?. *Journal of Economic Growth*, 9(3): 271-303.
- Goulet, D. (1971). The cruel choice: a new concept in the theory of development. (New York: Atheneum, p. 23). Reprinted with permission from Ana Maria Goulet.
- Greif, A. (2006). *Institutions And The Path To The Modern Economy: Lessons From Medieval Trade*. Cambridge University Press.
- Guiso, L.; Sapienza, P. and Zingales, L. (2006). Does culture affect economic outcomes?. *The Journal of Economic Perspectives*, 20(2): 23-48.
- Gurgul, H. & Lach, L. (2012). Political instability and economic growth: evidence from two decades of transition in CEE. MPRA. Working Paper No. 37792.
- Hamdi, H. and Sbia, R. (2013). Dynamic relationships between oil revenues, government spending and economic growth in an oil-dependent economy. *Economic Modelling*, 35: 118-125.
- Hamdi, H. and Sbia, R. (2013). Dynamic relationships between oil revenues, government spending and economic growth in an oil-dependent economy. *Economic Modelling*, 35: 118-125.

- Hamoudi, A.A. and Sachs, J.D. (2000). Economic consequences of health status: A Review of the Evidence. Chicago: Graduate School of Business, Working Paper No. 30.
- Hendricks, L. (2004). Taxation and human capital accumulation. *Macroeconomic Dynamics*, 8(03): 310-334.
- Iyer, L. (2010). Direct versus indirect colonial rule in India: Long-term consequences. *The Review of Economics and Statistics*, 92(4): 693-713.
- Josten, Stefan Dietrich (2005). Middle-Class Consensus, Social Capital and the Mechanics of Economic Development. Discussion Paper No. 36.
- Kaufmann, D., and Kraay, A. (2002). Growth without governance. World Bank Policy Research Working Paper No. 2928.
- Kloosterman, Andrew & Andrew Schotter (2016). Complementary institutions and economic development: An experimental study. *Games and Economic Behavior*. 99, 186-205.
- Law, Siong Hook; Thong Cheen Lim & Normaz Wana Ismail (2013). Institutions and economic development: A Granger causality analysis of panel data evidence. *Economic Systems*, 37(4): 610-624.
- Marrocu, E., and Paci, R. (2010). The effects of public capital on the productivity of the Italian regions. *Applied Economics*, 42(8): 989-1002.
- Mehrara, M. and Musai, M. (2013). The relationship between economic growth and human capital in developing countries. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 5: 55-62.
- Mincer, J.A. (1996). Economic development, growth of human capital, and the dynamics of the wage structure. *Journal of Economic Growth*, 1(1): 29-48.
- Muye, Ibrahim Muhammad, & Ibrahim Yusuf Muye (2017). Testing for causality among globalization, institution and financial development: Further evidence from three economic blocs. *Borsa-Istanbul Review* 17-2: 117-132.
- Papyrakis, E. and Gerlagh, R. (2003). Natural resources: a blessing or a curse?. Fondazione Eni Enrico Mattei, Working Paper No. 2003.8.
- Rodrik, D.; Subramanian, A. & Trebbi, F. (2002). Institutions rule: the primacy of institutions geography and integration in economic development. NBER, Working Paper No. 9305.
- Sabatini, F. (2009). Social capital as social networks: A new framework for measurement and an empirical analysis of its determinants and consequences, *The Journal of Socio-Economics*, Vol. 38(3), 429-442.
- Selden, T.M. and Song, D. (1994). Environmental quality and development: is there a Kuznets curve for air pollution emissions?. *Journal of Environmental Economics and Management*, 27(2): 147-162.
- Sen, K. (2014). Governance and development outcomes in Asia. Asian Development Bank (ADB), Working Paper No. 384.

- Sen, K.; Amartya, & Sundhir, Anand (1994). Human Development Index: Methodology and Measurment. Human Development Report Office, Occasional Papers: 1-25.
- Siddiqui, D.A. and Ahmed, Q.M. (2013). The effect of institutions on economic growth: A global analysis based on GMM dynamic panel estimation. *Structural Change and Economic Dynamics*, 24: 18-33.
- Silberberger, M. (2015). Regulation, trade and economic growth. Center for European Governance and Economic Development, Discussion Paper No. 255.
- Soedjatmoko, A. & (1985). The primacy of freedom in development, edited by Anne Elizabeth Murase, University Press of America.
- Srithongkul, P. and Pastpipatkul, P. (2013). Impacts of economic variables and the corruption perception index on human development. *Journal of The Empirical Econometrics and Quantitative Economics Letters*, 2(1): 71-78.
- Subbarao, P.S. (2008). A study on foreign direct investment (FDI) in Indian tourism. In Conference on Tourism in India-Challenges Ahead, India.
- Tabellini, G. (2010). Culture and institutions: economic development in the regions of Europe. *Journal of the European Economic Association*, 8(4): 677-716.
- Usui, N. (1997). Dutch disease and policy adjustments to the oil boom: a comparative study of Indonesia and Mexico. *Resources policy*, 23(4):151-162.
- World Bank Open Data, Annual Reports, <https://data.worldbank.org>.